

## تأثیر برونگرایی و درونگرایی بر درستی ساختاری، روانی بیان و تراکم واژگانی مهارت گفتاری فارسی‌زبانان فراگیر زبان ژاپنی

سعیده قیطانچی\*

کارشناس ارشد آموزش زبان ژاپنی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران

داود برزآبادی فراهانی\*\*

استادیار زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران

هاجر بابایی\*\*\*

مربی زبانشناسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۹، تاریخ تصویب: ۹۲/۳/۱۸)

### چکیده

تحقیق حاضر به منظور پاسخ به این سؤال طراحی شد که آیا نوع شخصیتی برون‌گرا یا درون‌گرای فارسی‌زبانان فراگیر زبان ژاپنی تأثیری بر میزان درستی ساختاری، روانی بیان و تراکم واژگانی گفتار ژاپنی آنها دارد یا خیر. بدین منظور ۶۵ نفر از دانشجویان زبان و ادبیات ژاپنی که در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل بودند، به عنوان آزمودنی‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. ابتدا از آنان خواسته شد تا به پرسشنامه شخصیتی آیزنک پاسخ دهند. بعد از مشخص شدن نوع شخصیتی شرکت‌کنندگان، از آنان آزمون مصاحبه ایفای نقش (Role-play) گرفته شد و اطلاعات آن ضبط گردید. سپس نمره شرکت‌کنندگان در درستی ساختاری، روانی بیان و تراکم واژگانی مشخص شد. سرانجام با استفاده از آزمون t مستقل، مشخص شد که گرچه نوع شخصیتی آزمودنی‌ها اثر معنی‌داری به نفع دانشجویان درون‌گرا بر میزان درستی ساختاری و تراکم واژگانی دارد، ولی نوع شخصیتی اثر معنی‌داری بر روانی بیان ندارد. توجه به نتایج این تحقیق اهمیت شناخت آموزگار را از جنبه‌های مختلف شخصیت زبان‌آموزان، از جمله درون‌گرا و برون‌گرا بودن آنان به عنوان وسیله‌ای برای بهبود و تسهیل روند آموزش زبان مورد تأکید قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: برونگرایی، درونگرایی، درستی ساختاری، روانی بیان، تراکم واژگانی، زبان ژاپنی.

تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۹۵۱۵۱، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۳۷۱۷۹۸، E-mail: sachan221@yahoo.com

\*\* تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۰۸۶، دورنگار: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۰۸۰، E-mail: borzabad@ut.ac.ir

\*\*\* تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۲۱۱، دورنگار: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۰۸۰، E-mail: h.babai@ut.ac.ir

## مقدمه

رشد و توسعه جوامع در گرو آموزش صحیح نیروهای انسانی است. اصل دشواری آموزش نیز به دلیل مواجهه با عامل انسانی است، چرا که هر انسانی دارای شخصیتی منحصر به فرد است که متناظر با آن واکنش‌های متفاوتی را در قبال مسائل پیرامون خویش بروز می‌دهد و این مسأله، آموزگار را با چالش‌های روانشناختی روبرو می‌سازد. بنابراین انتظار می‌رود آموزگار، زبان‌آموزان را بر اساس ویژگی‌های شخصیتی مشترک، طبقه‌بندی و بر این اساس، راهبرد مناسبی برای افزایش کارایی آموزش اتخاذ نماید.

شین (۲۰۰۸) معتقد است که «شخصیت» دلیل و نتیجه عملکرد افراد را روشن می‌کند. این‌که هر فرد چگونه می‌آموزد و چه چیزی را می‌آموزد، نشان دهنده تفاوت‌های فردی است. بنابراین برای درک بهتر واکنش افراد نسبت به آموزش و فراگیری، بهره‌گیری از عاملی همچون «شخصیت» حائز اهمیت خواهد بود (۱۷۰-۱۷۲). آیزنک (۱۹۷۵) تأکید داشت برای این‌که نظریه شخصیت مفید باشد، باید بتواند رفتار را پیش‌بینی کند، و در این ارتباط نظریه سه بعدی شخصیت را ارائه کرد. بعد اول، رویش برونی<sup>۱</sup> نام دارد. افراد این گروه اجتماعی‌اند و علاقه به شرکت در کارهای جمعی دارند و خواهان تعریف و تمجید و پاداش‌اند. در همین بعد، درونگراها نیز قرار می‌گیرند که فردگرایند و حساسیت‌شان به انتقاد، نسبت به برونگراها خیلی بالاتر است و انتقاد دیگران را خیلی جدی می‌گیرند. بعد دوم الگوی شخصیت آیزنک، روان‌رنجور خوئی<sup>۲</sup> نام دارد، آنانی که در این رده طبقه‌بندی می‌شوند، نسبت به تنبیه حساس شده و اضطراب و احساسات منفی از ویژگی‌های آن‌هاست. آخرین بعد شخصیتی، بعد روان‌پریش خوئی<sup>۳</sup> است. افرادی که در این دسته قرار می‌گیرند، آنانی‌اند که فاقد تطبیق‌پذیری بالایند، ریسک‌پذیری بالایی دارند و گرایش به ارتکاب جرم در آنها نسبت به افراد ابعاد دیگر شخصیتی، بالاتر است. (سیدمحمدی، ۲۰۰۲).

یکی از متداول‌ترین طبقه‌بندی‌هایی که امروزه روان‌شناسان برای شخصیت به کار می‌برند، درونگرایی و برونگرایی است که برای اولین بار توسط کارل یونگ (۱۹۲۳) به کار گرفته شده است. درونگرایان در مقایسه با برونگرایان، خوددارترند و از بروز احساسات خود بیشتر جلوگیری می‌کنند. همین‌طور شواهد نشان می‌دهد که درونگرایان در یادگیری، بیشتر تحت

1- Extraversion

2- Neuroticism

3- Psychoticism

تأثیر تنبیه قرار می‌گیرند، در حالی که برونگرایان بیشتر از پاداش تأثیر می‌پذیرند. برونگرایان در واکنش‌های زیستی خود نسبت به سر و صدا نیز از درونگرایان متفاوتند. یعنی درونگرایان به سر و صدا واکنش بیشتری نشان می‌دهند. در عین حال، هر کدام، در صورتی که سر و صدا به قدر دلخواهشان باشد، بهترین عملکرد را خواهند داشت. افراد درونگرا به این علت که سریع‌تر و بیش از حد با محیط سازگار می‌شوند، افرادی‌اند تطبیق‌پذیر و پایمند به قواعد و مقررات، درحالی‌که برونگراها اهل عمل و پیشقدم در انجام کارهایند و ریسک‌پذیرند. چنین افرادی از نظر اجتماعی آن قدرها منعطف و تطبیق‌پذیر نیستند و در حد افراد درونگرا پایمند اصول از پیش تعیین‌شده نمی‌باشند.

از طرف دیگر، شناخت درست از خود، در زمینه یادگیری از جمله یادگیری زبان‌های خارجی نیز توجه پژوهندگانی چون هرمن و آکسفورد (۱۹۹۰)، اسکاهاان (۱۹۸۹) و واکاموتو (۱۹۹۷) را به خود جلب کرده است. برای مثال مطالعاتی در زمینه تأثیر نوع شخصیتی بر مهارت نوشتاری، شنیداری و گفتاری انجام شده است. در این میان محققان ایرانی همچون لایقی (۲۰۱۰) و جهانبازی (۲۰۰۷) به بررسی رابطه درونگرایی و برونگرایی با مهارت نوشتاری پرداخته‌اند و هر دو چنین نتیجه گرفته‌اند که زبان‌آموزان درونگرا، در بخش نوشتار عملکرد بهتری دارند. تحقیق حاضر بر آن است تا در این راستا، رابطه بین درونگرایی و برونگرایی و جنبه‌هایی از مهارت گفتاری دانشجویان ایرانی زبان ژاپنی را بررسی کند. در صورت وجود رابطه‌ای معنی‌دار، این تحقیق راهگشای مدرسان و همچنین خود زبان‌آموزان نیز خواهد شد و استعدادها را شناخته نشده هر فرد را به او معرفی کرده و شرایط را برای اتخاذ تدابیر مورد نیاز فراهم خواهد آورد.

#### پیشینه تحقیق

در سال ۲۰۱۰، لایقی به بررسی رابطه درونگرایی و برونگرایی فارسی‌زبانان فراگیر زبان انگلیسی سطح پیشرفته با ساختار و محتوای نگارش استدلالی آنان پرداخت. وی چنین فرض کرد که مقاومت بهتر زبان‌آموزان برونگرا در برابر استرس به آنها کمک می‌کند تا نظراتشان را راحت‌تر در محتوای نوشتار بیان کنند. در مقابل، دقت و وسواس زبان‌آموزان درونگرا موجب می‌شود که به ساختار جملات و فرم نوشتار توجه بیشتری نشان دهند. در نهایت با انجام آزمون‌ها و تحلیل‌های مربوطه، چنین نتیجه گرفت که زبان‌آموزان درونگرا در هر سه بخش (محتوا، ساختار، کیفیت کلی) به طور قابل ملاحظه‌ای موفق‌تر از برونگراها بودند. این نتیجه، به

نظر منطقی می‌رسد، زیرا نگارش استدلالی، نیازمند تمرکز و تفکر است و از آنجایی که درونگراها به شکل چشم‌گیری دارای این ویژگی‌ها هستند، برتری آنها در این زمینه دور از انتظار نیست.

در ارتباط با جنبه‌ای دیگر از اثر درونگرایی و برونگرایی بر یادگیری، جهانبازی (۲۰۰۷) به بررسی رابطه بین درونگرایی و برونگرایی با مهارت نوشتاری فارسی‌زبانان فراگیر زبان انگلیسی پرداخته و نتیجه گرفته است که:

- زبان‌آموزان مسن‌تر عملکرد بهتری دارند. وی بر این باور است که زبان‌آموزان مسن‌تر از تفکر انتزاعی قوی‌تری برخوردارند که منجر می‌شود نوشتار آنان دارای استدلالی متقاعدکننده‌تر باشد.

- زبان‌آموزان مقاطع بالاتر، عملکرد بهتری دارند. در این زمینه، چنین استدلال می‌کند، زبان‌آموزانی که در دانشگاه به تحصیل مشغولند، در مقایسه با زبان‌آموزان مقطع راهنمایی، اطلاعات بیشتری درباره موضوعات علمی دارند.

- ارتباط معناداری بین درونگرایی و برونگرایی با مهارت نوشتاری وجود دارد و درونگراها مهارت نگارشی بهتری دارند.

- درونگرایی و برونگرایی و جنسیت، اثر تقابلی<sup>۱</sup> معنی‌داری بر مهارت نگارش دارند. ولی نتایج همه تحقیقات، دال بر رابطه مثبت و معنی‌دار بین درونگرایی و برونگرایی و مهارت‌های زبانی نیست. امیرزاده (۲۰۰۷) به بررسی رابطه بین شخصیت و زبان‌آموزی پرداخت و نتیجه گرفت که رابطه معنی‌داری بین درونگرایی و برونگرایی و زبان‌آموزی دانش‌آموزان دبیرستانی در ایران وجود ندارد. در ادامه چنین برداشت کرد که عوامل دیگری در کنار درونگرایی و برونگرایی افراد و همچنین موقعیت‌های آموزشی مختلف می‌توانند بر زبان‌آموزی دانش‌آموزان دبیرستانی تأثیرگذار باشند.

خدیوی (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین عوامل شخصیتی و استفاده از فن‌های شنیداری پرداخت. بدین منظور ابتدا آزمودنی‌ها، سوالات آزمون زبان نلسون را پاسخ دادند. سپس با اجرای پرسشنامه شخصیتی آیزنک و مشخص نمودن درونگرایی و برونگرایی آنان، برای بررسی دقیق فنون‌های شنیداری هر گروه، پرسشنامه فنون‌های شنیداری را تهیه کرد و در نهایت با انجام آزمون t نتایج را به دست آورد. وی چنین بیان می‌کند که عوامل شخصیتی

درونگرایی و برونگرایی، تأثیر معنی‌داری در به کارگیری فنون شنیداری توسط فراگیران زبان انگلیسی ندارند.

در زمینه شنیدار، تحقیق دیگری نیز وجود دارد که این بار زبان‌آموزان ژاپنی را مورد بررسی قرار داده است. ناکامورا (۲۰۰۰) به بررسی رابطه درونگرایی و برونگرایی زبان‌آموزان ژاپنی<sup>۱</sup> و مهارت شنیداری آنان پرداخت. وی با انجام آزمون شخصیت آیزنک و تقسیم زبان‌آموزان به دو گروه درونگرا و برونگرا، و سپس با اجرای آزمون شنیداری، به این نتیجه رسید که برونگرایی و درونگرایی به تنهایی عامل تعیین‌کننده‌ای در زمینه مهارت شنیداری نیستند. وی با انجام آزمایش دقیق‌تر آیزنک و تقسیم زبان‌آموزان به درونگرای با ثبات/ درونگرای بی‌ثبات/ برونگرای با ثبات/ برونگرای بی‌ثبات، چنین اظهار داشت که زبان‌آموزان برونگرای بی‌ثبات و درونگرای با ثبات، در مهارت شنیداری موفق‌تر عمل کرده‌اند. لازم به توضیح است که افراد درونگرای با ثبات، کنش‌پذیر، محتاط، فکور، خوددار و آرامند. افراد برونگرای بی‌ثبات، بی‌قرار، تحریک‌پذیر، تغییرگرا، خوش‌بین و پرتلاشند. ناکامورا با مقایسه ویژگی‌های شخصیتی این دو گروه، به این نتیجه رسید که نمی‌توان قضاوت کرد که کدام خصیصه نقش مؤثرتری در ارتقاء مهارت شنیداری زبان‌آموزان ایفا کرده است، ولی تأثیر خوش‌بینی و پرتلاشی برونگرای بی‌ثبات و آرام و فکور بودن درونگرای بی‌ثبات را دور از ذهن نمی‌داند.

در زمینه ارتباط درونگرایی و برونگرایی و مهارت گفتاری نیز تحقیقاتی انجام گرفته است. اشتری (۲۰۰۲) به بررسی رابطه بین هوش، درونگرایی و برونگرایی و تأثیر آن بر مهارت گفتاری در یادگیری زبان خارجی پرداخته است. به دو گروه دانش‌آموزان دبیرستان معمولی و دانش‌آموزان دبیرستان تیزهوشان که با بهره هوشی بالا در نظر گرفته شده بودند، چهار تست شامل دستور زبان، برونگرایی، هوش و مهارت گفتاری داده شد. نمرات از طریق ضریب همبستگی و تجزیه و تحلیل چند متغیره مورد بررسی قرار گرفت که نتایج به‌دست آمده از این قرار بود:

- رابطه مثبت معنی‌دار بین هوش و دستور زبان و همچنین بین هوش و مهارت گفتاری مورد تأیید قرار گرفت ( $p = 0/001$ ).

- نتایج همچنین همبستگی مثبت معنی‌دار بین برونگرایی و مهارت گفتاری را در زبان

خارجی نشان داد ( $p = 0/002$ ).

- همبستگی مثبت بین دستور زبان و مهارت گفتاری نیز نشان داده شد ( $p = 0/001$ ).
- معدل دانش‌آموزان تیزهوش تا حد معنی‌داری از دانش‌آموزان عادی در رابطه با دستور زبان، هوش و مهارت گفتاری بهتر بود ( $p = 0/001$ ).
- شاهینی (۲۰۰۶) به بررسی رابطه بین درونگرایی و برونگرایی با مهارت زبانی<sup>۱</sup> در دانشجویان کارشناسی‌ارشد زبان انگلیسی دانشگاه تهران پرداخته و نتیجه گرفته است که:
  - عملکرد مصاحبه‌ای<sup>۲</sup> رابطه معنی‌داری با درونگرایی و برونگرایی ندارد، ولی عملکرد مصاحبه‌ای مردان برونگرا بهتر از زنان برونگرا است.
  - در بخش ساختار<sup>۳</sup>، درونگراها عملکرد بهتری نسبت به برونگراها دارند. یعنی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین مردان و زنان درونگرا اختلاف معنی‌داری وجود ندارد، ولی مردان برونگرا نسبت به زنان برونگرا عملکرد بهتری داشته‌اند. در کل، در بخش ساختار، عملکرد مردان بهتر از زنان بوده است. وی بر این باور است که در این بخش، عامل تمرکز، نقشی اساسی را ایفا می‌کند و درونگراها، با توجه به ویژگی شخصیتی‌شان، تمرکز بهتری نسبت به برونگراها دارند، از این رو عملکرد آن‌ها بهتر بوده است.
  - در بخش درک مطلب، رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. درونگراها عملکرد اندک بهتری دارند. برخلاف ساختار، زنان درونگرا، اندکی بهتر از مردان درونگراییند. اما در بین برونگراها، مردان اندکی بهتر از زنانند.
  - در عملکرد کلی در آزمون تافل<sup>۴</sup>، رابطه معنی‌داری مشاهده شد: نتیجه این‌که درونگراها عملکرد بهتری دارند.

وی در توجیه نتایج فوق چنین توضیح داده است که در موارد پذیرشی<sup>۵</sup> نظیر دستور زبان<sup>۶</sup> و درک مطلب<sup>۷</sup> که به تمرکز نیاز است، درونگراها موفق‌ترند ولی در موارد تولیدی<sup>۸</sup> نظیر

- 1- Oral Proficiency
- 2- Interview
- 3- Structure
- 4- TOEFL
- 5- Receptive Tasks
- 6- Grammar
- 7- Comprehension
- 8- Productive Tasks

گفتار، هیچ گروهی برتری ندارد که مورد اخیر با یافته‌های سایر محققان مانند دیوالی و فردهام (۲۰۰۰) ک. یا وگل و س. وگل (۱۹۸۹) همخوانی ندارد که این ممکن است به دلیل تازگی انجام چنین تحقیقی در ایران باشد. البته وی همچنین این احتمال را داده است که روش ارزیابی مهارت گفتاری، به اندازه کافی حساس نبوده باشد و یا خطای انسانی رخ داده باشد. ژنگ دونگ (۲۰۰۸) به بررسی رابطه بین برونگرایی و توانش گفتاری<sup>۱</sup> در بین دانشجویان فراگیر زبان انگلیسی دانشگاه هنگ‌کنگ پرداخت. وی با انجام آزمون شخصیت آیزنک و تعیین افراد برونگرا، بررسی نمره‌های آن‌ها، با پیاده کردن اطلاعات به‌دست آمده از ۴۰ نوار ویدئویی که از تمرین‌های آنان ضبط کرده بود و نیز ارزشیابی مهارت زبانی آن‌ها، همبستگی برونگرایی با مهارت زبانی را مورد مطالعه قرار داد. در پایان، وی چنین نتیجه گرفت که بین مهارت زبانی و برونگرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد، او با بررسی عمیق‌تر چنین نتیجه گرفت که افراد برونگرا خواستار شرکت در فعالیت‌های بیشتر و به عهده گرفتن تکالیف‌اند. نیز آشکار شد که افراد برونگرا در درستی ساختاری و روانی بیان، مهارت بالاتری دارند.

از بررسی مطالعات محققانی که ذکر شد چنین بر می‌آید که علیرغم تفاوت‌ها، جمع‌بندی کلی بر آن است که تأثیر برونگرایی و درونگرایی بر جنبه‌های مختلف یادگیری زبان خارجی انکارپذیر است، ولی باید در نظر داشت که در بیشتر تحقیقات یاد شده، زبان خارجی، زبان انگلیسی بوده است و تا آنجایی که مشخص است، تاکنون تحقیقی برای بررسی تأثیر نوع شخصیت بر مهارت گفتاری ژاپنی نزد فارسی‌زبانان فراگیر زبان ژاپنی صورت نگرفته است. بنا بر این هدف از تحقیق حاضر، پاسخ به سؤال زیر است:

آیا برونگرایی و درونگرایی تأثیری معنی‌دار بر درستی ساختاری، روانی بیان و تراکم واژگانی مهارت گفتاری فارسی‌زبانان فراگیر زبان ژاپنی دارد؟

### ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

با توجه به مسائل بیان شده در فوق، هر یک از شخصیت‌های درونگرا و برونگرا، ویژگی‌های خاص خود را دارند که می‌توان با آگاه ساختن زبان‌آموزان نسبت به ویژگی‌های شخصیتی خودشان، به آن‌ها در گزینش روش مناسب یادگیری کمک کرد. ولی مسئله اینجاست که بنا به گفته براون (۲۰۰۰) و نیز شاهینی (۲۰۰۶)، هنوز میزان و نحوه تأثیر

درونگرایی و برونگرایی شخصیت بر فرایند یادگیری زبان دوم<sup>۱</sup> مشخص نیست و این‌که چه نوع شخصیتی در کدام مهارت زبان خارجی، عملکرد بهتری دارد، هنوز هم جای تحقیق بیشتری دارد. در صورتی که درباره نوع شخصیتی و مهارت گفتاری فارسی‌زبانان فراگیر زبان ژاپنی رابطه‌ای معنی‌دار دیده شود، به مدرسان کمک خواهد کرد، تا سطح انتظارات از هر فرد را، با توجه به شخصیتی که او داراست، تعیین کند و نیز در شیوه تدریس و یا ارزشیابی خود تجدید نظر کند تا نتیجه مطلوب‌تری حاصل شود. از طرفی، خود زبان‌آموز هم با شناخت جنبه‌های منحصر به فرد شخصیت خویش می‌تواند در جهت بهره‌گیری از استعدادهای وجودیش گام بردارد. از آنجا که در ایران فرصت زیادی برای صحبت کردن به زبان ژاپنی وجود ندارد، لازم است که دست اندرکاران آموزش این زبان از روش‌هایی که کتاب‌ها و مباحث آموزش زبان برای افزایش کمیت و کیفیت فرصت کاربرد زبان را برای زبان‌آموزان مطرح کرده‌اند، استفاده لازم را ببرند. حال با دانستن این‌که بر اساس برآورد جهانی بنیاد ژاپن<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۳، جوانانی که در دهه ۹۰ میلادی متولد شده‌اند، به دلیل مواجهه با فرهنگ ژاپنی از طریق انیمیشن و بازی، علاقه و تمایل جدیدی (نسبت به نسل‌های قبل) به فراگیری زبان ژاپنی از خود نشان می‌دهند، بنابراین معلمان و محققان زبان ژاپنی باید توجه بیشتری به فنون آموزشی برای این زبان‌آموزان جوان نمایند. از این‌رو و با توجه به موارد فوق، در این تحقیق به مطالعه اثر نوع شخصیت فراگیران فارسی‌زبان بر درستی ساختاری، روانی بیان و تراکم واژگانی آن‌ها به هنگام مکالمه به زبان ژاپنی پرداخته شده است.

به نظر می‌رسد با عنایت به این‌که در عصر حاضر بهره‌گیری از اصول روان‌شناسی در آموزش بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و مدرسان به دنبال بالابردن سطح کیفی آموزش خویش‌اند، لزوم پرداختن به مقوله‌های روان‌شناسی مرتبط با زبان‌آموزی مفید باشد.

#### روش تحقیق

#### - آزمودنی‌ها

آزمودنی‌ها در این تحقیق، دانشجویان فارسی‌زبان مقاطع چهارگانه گروه زبان و ادبیات ژاپنی دانشگاه تهران بودند که تعداد آن‌ها ۶۵ نفر بود. سن آزمودنی‌ها بین ۱۹ تا ۲۳ سال بوده

1- SLA

2- Japan Foundation



است. همچنین لازم به ذکر است که از مجموع ۶۵ نفری که در تحقیق حاضر شرکت داشتند، تنها یک نفر زبان اولش آذری و بقیه، زبان اولشان فارسی بود. در ضمن همگی این آزمون‌دهندگان، قبل از شروع به یادگیری زبان ژاپنی، زبان انگلیسی را در حد مقطع راهنمایی و دبیرستان آموخته بودند.

### - آزمون‌ها و روش اجرا

در این پژوهش، شخصیت از طریق آزمون شخصیتی آیزنک ویژه بزرگسالان که دارای ۵۷ سؤال است، سنجیده شد و ویژگی‌های درونگرایی/برونگرایی از آن استخراج شد. نکته دیگر این‌که این آزمون دارای نمر ایران است که هنجاریابی شده و استانداردهای مورد نظر را دارا است. به عنوان مثال، در ایران مقایسه‌ای بین دانش‌آموزان انگلیسی و ایرانی به منظور هنجاریابی، توسط آیزنک، مکارمی و بارت (۱۹۹۴) صورت گرفت. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ مقایسه‌ای در پسران ۰/۷۳ تا ۰/۸۱ و در دختران ۰/۶۳ تا ۰/۸۴ گزارش شده است. اعتبار محاسبه شده توسط رحیمی‌نژاد (۲۰۰۲، ۵۴-۲۹) معادل ۰/۷۰ تا ۰/۸۲، با اعتبار محاسبه شده پژوهش‌های مختلف بر حسب ضریب آلفای کرونباخ توسط براهنی (۱۹۷۶، ۳۹۱-۳۸۱) و آیزنک، مکارمی و بارت (۱۹۹۴، ۲۱۰-۲۰۳) هماهنگی دارد. ابتدا ترجمه فارسی پرسشنامه آیزنک برای ارزیابی نوع شخصیت (درونگرا یا برونگرا) در اختیار دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی قرار داده شد. سپس، جهت ارزیابی مهارت‌های کلامی زبان‌آموزان، آزمون ایفای نقش<sup>۱</sup> که در آن موضوع برای تمام شرکت‌کنندگان یکی بود برگزار و محتوای مکالمه ضبط گردید. آزمون ایفای نقش در واقع براساس معیارهای گروه ژاپنی که برگرفته از دستورالعملی مشخص برای سنجش مهارت مکالمه ژاپنی است و برای تعیین سطح و ارزیابی توان مکالمه به کار می‌رود، مورد استفاده قرار گرفت. از میان موقعیت‌های موجود در دستورالعمل آزمون، به آزمودنی‌ها به ترتیب چند موقعیت خاص داده و از آن‌ها خواسته شد که به ژاپنی جمله یا جملات لازم متناسب با موقعیت مطرح شده را بیان کنند (شما در بخش اطلاعات یک اداره‌اید و می‌خواهید دریابید که آقای «الف» آنجا کار می‌کند یا نه و چگونه می‌توانید با او ملاقات داشته باشید). بعد از پیاده‌سازی محتوای مکالمه و استفاده از فرمول‌های ذکر شده، در قسمت بعدی همین بخش، نمره‌های شرکت‌کنندگان در هر یک از موارد سه‌گانه

درستی گفتار، روانی بیان، تراکم واژگانی مشخص شد. لازم به توضیح است که در گروه زبان و ادبیات ژاپنی دانشگاه تهران، آزمون پایان ترم درس گفت و شنود همواره به شکل آزمون ایفای نقش برگزار می‌شود و دانشجویان به این سبک از امتحان آشنایی دارند. محاسبه درستی ساختاری، تراکم واژگانی و روانی بیان به طریق فرمول‌های ذیل انجام پذیرفت.

**درستی ساختاری:** درستی ساختاری در این مطالعه، بر اساس درصد واحدهای T درست به کل مجموع واحدهای T ارزیابی شد. **تراکم واژگانی:** با استناد به (گیلمور، ۲۰۰۴)، از طریق فرمول زیر محاسبه شد:

$$100 \times \frac{\text{تعداد کلمات محتوایی (قاموسی)}}{\text{تعداد کل کلمات}}$$

**روانی بیان:** در این مطالعه، از فرمول اسکاهان و فاستر (۱۹۹۹) استفاده شد. طبق این فرمول، «تعداد تکرار یک واژه، بیان واژه غلط و عدم اصلاح آن، تغییر دادن واژه، اصلاح آن» فاکتورهای مورد سنجش است. در واقع هرچه تعداد استفاده از این فاکتورها بیشتر شود، روانی بیان کمتر است.

## نتایج

نتیجه بدست آمده از آزمون شخصیتی آیزنک، مؤید آن بود که تعداد ۲۸ نفر از شرکت‌کنندگان دارای نوع شخصیتی متمایل به درونگرایی و ۳۷ نفر از آنان دارای نوع شخصیتی متمایل به برونگرایی بودند. قبل از اجرای آزمون t مستقل، ابتدا نرمال بودن داده‌ها از طریق آزمون Kolmogorov- Smirnov بررسی شد. در زیر، نتیجه بررسی نرمال بودن داده‌ها، همراه با آمار توصیفی مورد نیاز دیگر برای هر یک از موارد سه‌گانه آورده شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی و آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن گروه تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Z	سطح معنی‌داری
درستی ساختار	۸۳/۵۳	۱۶/۴۵	۰/۷۱	۰/۶۹
تراکم واژگانی	۵۹/۳۵	۸/۸۵	۰/۸۴	۰/۴۸
روانی بیان	۷/۰۹	۲/۴۵	۱/۰۲	۰/۲۵

همانطور که از جدول فوق مشخص است، میزان احتمال یا  $p$  برای هر سه متغیر تحقیق بزرگتر از پنج صدم ( $p > 0.05$ ) است که نشانگر نرمال بودن گروه درباره هر سه متغیر مورد نظر است.

برای پاسخ به سؤال تحقیق مبنی بر این‌که برونگرایی و درونگرایی باعث اختلاف معنی‌دار در زمینه‌های درستی ساختاری، روانی بیان و تراکم واژگانی مهارت گفتاری فارسی‌زبانان فراگیر زبان ژاپنی می‌گردد یا خیر، آمار توصیفی مربوطه استخراج و سپس از آزمون  $t$  مستقل استفاده شد که نتایج حاصله در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲: آمار توصیفی و نتایج آزمون  $t$  مستقل برای مقایسه دو گروه در ارتباط با درستی ساختاری، تراکم واژگانی و

روانی بیان در مهارت گفتاری

متغیر	نوع شخصیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	$t$	درجه آزادی	$P$
درستی ساختار	درونگرا	۲۸	۶۶/۸۶	۱۲/۴۰	۷/۶۶	۶۳	۰/۰۰۱
	برونگرا	۳۷	۴۳/۹۷	۱۱/۵۷			
تراکم واژگانی	درونگرا	۲۸	۶۳/۸۶	۹/۰۴	۳/۹۵	۶۳	۰/۰۰۱
	برونگرا	۳۷	۵۵/۹۵	۷/۱۰			
روانی بیان	درونگرا	۲۸	۶/۷۵	۲/۶۷	۰/۹۸	۶۳	۰/۳۳
	برونگرا	۳۷	۷/۳۵	۲/۲۶			

- نتایج مندرج در جدول‌های فوق نشان می‌دهد:
- ۱- بین میانگین گروه درونگرا و برونگرا در درستی ساختار به نفع گروه درونگرا تفاوت معنی‌دار وجود دارد. ( $P < 0.001$ ,  $t(63) = 7.66$ )
  - ۲- بین میانگین گروه درونگرا و برونگرا در تراکم واژگانی به نفع گروه درونگرا تفاوت معنی‌دار وجود دارد. ( $P < 0.001$ ,  $t(63) = 3.95$ )
  - ۳- بین میانگین گروه درونگرا و برونگرا در روانی کلام تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. ( $P > 0.05$ ,  $t(63) = 0.98$ )

## نتیجه

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، تحقیق حاضر بر مبنای این سؤال طراحی و انجام شد تا دریابیم که آیا برونگرایی و درونگرایی تأثیری معنی‌دار بر درستی ساختاری، روانی بیان و تراکم واژگانی مهارت گفتاری فارسی‌زبانان فراگیر زبان ژاپنی دارد یا خیر. برای درستی ساختاری، که بر اساس درصد واحدهای T درست به کل مجموع واحدهای T ارزیابی می‌شود، به مقایسه میانگین دو گروه در «کل مجموع واحدهای T» پرداخته شد. طبق نتایج حاصله، میانگین «کل مجموع واحدهای T» برونگرایان ۱۲/۸۸ و میانگین «کل مجموع واحدهای T» درونگرایان ۱۱/۲۰ است. بنابراین مشخص می‌شود که برونگرایان بیشتر از درونگرایان صحبت کرده‌اند که این نکته هماهنگ با یافته‌های محققان پیشین همچون دیوالی و فردهام (۲۰۰۰) است که معتقدند برونگراها در ابراز خودشان در صحبت، به خصوص در موقعیت‌های استرس‌زا موفق‌ترند.

در مورد تراکم واژگانی از فرمول زیر استفاده شد:

$$100 \times \frac{\text{تعداد کلمات محتوایی (قاموسی)}}{\text{تعداد کل کلمات}}$$

تعداد کل کلمات

بررسی میانگین دو گروه از نظر «تعداد کل کلمات» روشن ساخت که میانگین دانشجویان برونگرا ۶۳/۸۶ و میانگین دانشجویان درونگرا ۵۵/۵۹ است. این امر مؤید آن است که به ظاهر افراد درونگرا به لحاظ توجه بیشتری که به محتوی بیان خود دارند، به احتمال کلامشان به لحاظ معنایی متراکم‌تر و از کلمات محتوایی<sup>۱</sup> به دقت و به اندازه بیشتری استفاده می‌کنند و از کلمات نقش‌نما<sup>۲</sup> فقط تا حد نیاز برای ترکیب کلمات محتوایی استفاده می‌برند. ولی افراد برونگرا احتمال دارد به دلیل این‌که کمتر به فحوای کلام توجه می‌کنند و تمایل بیشتری به ابراز خود دارند، کلمات محتوایی کمتری را به کار برند و از کلمات نقش‌نمای بیشتری یعنی حروف اضافه و ... استفاده کنند.

همچنین همانطور که پیش‌تر بیان شد، برونگرایی و درونگرایی تأثیر معناداری بر روانی بیان ندارد که این نکته با نتیجه تحقیق بوش (۱۹۸۲) همخوانی دارد. البته بالاتر بودن میانگین نمره برونگراها (۷/۳۵) نسبت به درونگراها (۶/۷۵) شاید به این دلیل باشد که آنان مکت

<sup>۱</sup>- Content words

<sup>۲</sup>- Function words

کمتری در هنگام صحبت برای ارزیابی صحت معنایی و دستوری کلام دارند و این امر به آنان امکان می‌دهد در زمان برابر بیشتر حرف بزنند. این در حالی است که انتظار بر آن است که افراد برونگرا از روانی بیان بالاتری برخوردار باشند که البته چنین نیز هست، اما اختلاف، معنی‌دار نیست. دلیل این امر می‌تواند ضعف کلی مجموعه دانشجویان فراگیر زبان ژاپنی باشد که دلیل آن هم این است که به طور تقریبی هیچ یک از دانشجویان این رشته، پیش‌زمینه‌ای در آموختن این زبان ندارند و در بدو ورود به دانشگاه حتی با الفبای این زبان هم آشنا نیستند.

### Bibliography

- Amirzadeh Khiabani, M. (2007). *On the relationship between extroversion/introversion and language achievement of Iranian High School Students*. MA Thesis of University of Tehran.
- Ashtari, F. (2002). *Barresi rabeteye beine hoosh va darungaraee/borungaraee va tasir an bar maharate goftari dar zabane khareji (An investigation of the relationship between introversion/extroversion and intelligence and the effect thereof on EFL students' speaking ability)*. MA Thesis of Esfahan University.
- Brown, D. (2000). *Principles of language learning and teaching*. White Plains: Pearson Education.
- Busch, D. (1982). Introversion-extroversion and the EFL proficiency of Japanese students. *Language Learning*, 32(1), 109-131.
- Dewaele, J. M. & Furnham, A. (2000). Personality and speech production: A pilot study of second language learner. *Personality and individual differences*. Volume 28, 355-365.
- Ehrman, M. E. & Oxford R. (1990). Adult language learning styles and strategies in an intensive training setting. *The Modern Language Journal*, 74, 311-327.
- Eysenck, H. J. & Eysenck S. (1975). *Manual of the Eysenck Personality Questionnaire*. London: Hodder and Stoughton.
- Eysenk, S. & Makaremi, A. & Barrett, P. (1994). A cross-cultural study of personality: Iranian and English children. *Personality and Individual Differences*, 16 (2), 203-10.
- Gallagher, D. J. (1990). Extroversion, neuroticism, and appraisal of stressful academic events. *Personality and Individual Differences*, II, 1053-1057.
- Gilmore, A. (2004). A comparison of textbook and authentic interactions. *ELT Journal* 58(4), 363-374.

- Jahanbazi, M. (2007). *The relationship between introversion/extroversion and the writing ability of Iranian EFL learners*. MA Thesis of Tehran University.
- Jung, C. G. (1923). *Personality types*. Harcourt, Brace & Company, Inc.
- Khadivi, G. (2009). *The relationship between extroversion/introversion personality types and the use of listening strategies*. MA Thesis of Tehran University.
- Layeghi, F. (2010). *The relationship between introversion/extroversion and Iranian high-intermediate EFL learners' performance in argumentative writing: form and content*. MA Thesis of Tehran University.
- Leigh D., Noorbakhsh, & Bahrami, G. (1976). A psychometric study of Eysenck's personality inventory on a sample of Iranian college students. *The International Symposium on Epidemiological Studies in Psychiatry*. Tehran May 20-22, 1974.
- Nakamura, H. & Yamamoto, S. (2000). EFL gakushuusha no risuningu nouryoku to seikakutokusei (The relationship between personality type and EFL students' listening ability). *Niigatakenritu kangofu tankidaigaku kiyou dai 6kan*.
- Rahiminejad, A. (2002). estandard kardane porseshname shakhsiyate nojavanan Eysenck dar nojavanane dokhtar va pesare tehrani. (Standardization of Eysenck's Personality Questionnaire for young male and female Iranian students). *Psychological Journal, Volume Tarbiat*, 33, 29-54.
- Seyed Mohammadi, Y. (2002). *Theories of education*. Tehran: Ravan Publications.
- Shahini, A. (2006). *The relationship between extroversion/introversion and the oral proficiency of Iranian EFL learners*. MA Thesis of Tehran University.
- Shapurian, R. & Hojat, M. R. (1985). Psychometrics characteristics of the Persian version of Eysenck's Personality Questionnaire. *Psychological reports*, 57, 631-639.
- Skehan, P., & Foster, P. (1999). The influence of task structure and processing conditions on narrative retellings. *Language learning*, 49, 93-120.
- Shin, U. (2008). *Seikaku ruikai ni yoru gakushuusha no kobetusei. Ochanomizu (Differences in personality type among the students at Ochanomizu University)*. University katudou houkokusho kaigai kenshuu jigyouronn.
- Skehan, P. (1989). *Individual differences in second language learning*. London: Edward Arnold.
- Taguchi, N. (2007). Chunk Learning and the development of spoken discourse in Japanese as a foreign language classroom. <http://ltr.sagepub.com/cgi/content/abstract/11/4/433>.
- The Japan Foundation. (2003). *Nihongo Kyooiku Kunibetsu Jyooahoo* [Japanese language education information in the United States]. [JLEIC]. Retrieved August 24, 2004 from [http://www.jpj.go.jp/japan\\_i/oversea/img/2003-03.pdf](http://www.jpj.go.jp/japan_i/oversea/img/2003-03.pdf)
- Vogel, K. & Vogel, S. (1986). Interlanguage and the personality of the learner. *IRAL. Interlanguage Journal of Applied Linguistics*, 24 (1), 48-68.

- Wagner, E. (2007). Review of the book: The psychology of the language learner – individual differences in second language acquisition. <http://ltr.sagepub.com>.
- Wakamoto, N. (1997). gengogaku to gakushuusha no kanrenni ni suite (The relationship between language and language learners, investigated through a personality type test). *MBTI wo riyoushita personality ni suite no kenkyuu Sougou bunka kenkyuusho kiyuu* 14.
- Zhengdong, G. (2008). Extroversion and group oral performance: A mixed quantitative and discourse analysis approach. *The Hong Kong Institute of Education*. Volume 23 (3), 24-42.

